**کارکردهای کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی برای غیرفارسی­زبانان**

**چکیده**

با توجه به نقش حیوانات در زندگی انسان­ها، آن­ها در زبان و ادبیات جوامع زبانی نیز حضور و کارکردهای مختلفی دارند. گاهی شخصیت­های داستانی و گاهی نمادی از یک شخصیت با ویژگی­هایی خاص هستند. بعضی حیوانات به دلیل همین ویژگی­های خاص در ضرب­المثل­ها نیز به کار رفته­اند. اما این حیوانات در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف نمود یکسانی ندارند. بنابراین بررسی نقش نمادهای حیوانی ضرب­المثل­ها در یادگیری زبان ضروری است. زیرا با مطالعه­ی کارکردهای حیوانات در ضرب­المثل­های یک زبان و مقایسه­ی آن با کارکردهای حیوانات­ در ضرب­المثل­های دیگر زبان­ها به بسیاری از شباهت­ها و تفاوت­های جوامع زبانی می­توان پی برد. این مقاله با روش اسنادی-تحلیلی به کارکردهای نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی و اهمیت نقش آن­ها در شناخت جامعه­ی فارسی­زبان برای غیر فارسی­زبانان می­پردازد و الگوی اصلاح شده­ی ریچموند (1987) را برای مقایسه­ی شباهت­ها و تفاوت­های کارکردهای حیوانات در ضرب­المثل­های زبان مادری فارسی­آموزان خارجی با ضرب­المثل­های زبان فارسی پیشنهاد می­دهد. در نهایت، به این نتیجه می­رسد که در آموزش ضرب­المثل­های فارسی حاوی نمادهای حیوانی به غیرفارسی­زبانان باید برای پیشگیری از سؤتفاهمات آنان در کنش­های ارتباطی­شان در موقعیت­ها و رویدادهای کلامی مختلف با فارسی­زبانان به شباهت­ها و تفاوت­های کاربردشناختی این نمادها در زبان مادری فارسی­آموزان توجه بیشتری شود.

**کلیدواژه­ها:** ضرب­المثل، نمادهای حیوانی، زبان­آموزی، فارسی­آموزان، الگوی ریچموند

**1. مقدمه**

زبان از بخش­های مختلف (آوایی، واژگانی، دستوری، و ...) تشکیل شده است؛ اما آن­چه که زبان را برای کاربران قابل استفاده و برای مخاطبان قابل فهم می­سازد، بخش کاربردشناختی زبان است. زبان به­علّت خاصیت ارتباطی-اجتماعی که دارد، کارکردی اجتماعی پذیرفته که با هدف برقراری ارتباط در جامعه به­کار می­رود. در نتیجه کاربران غیربومی یک زبان که کارکردهای اجتماعی ویژه­ی آن زبان را درست تشخیص می­دهند و زبان را به­طور صحیح در ارتباط با افراد آن جامعه­ی زبانی به­کار می­برند، از یک دانش زبان­شناختی اجتماعی برخوردارند که توانشی کاربردشناختی را برای برقراری ارتباطی موفق به آن­ها ­بخشیده و می­دانند زبان را چه زمانی، در چه مکانی، خطاب به چه کسی، و چگونه به­کار ببرند. این قدرت برقراری ارتباط که از آن با عنوان «توانش ارتباطی»[[1]](#footnote-1) یاد می­شود، فرد را قادر می­سازد در یک جامعه­ی زبانی ارتباطی موفق را در موقعیت­ها و رویدادهای زبانی مختلف برقرار نماید که هرچه این توانش بیشتر باشد، میزان موفقیت ارتباط افزایش می­یابد. اما افزایش توانش ارتباطی مشروط به تقویت دیگر توانش­ها از جمله «توانش زبان­شناسی اجتماعی»[[2]](#footnote-2) (آگاهی از قواعد فرهنگی-اجتماعی زبان) (Canale & Swain, 1980) به عنوان بخشی از «توانش کاربردشناختی»[[3]](#footnote-3) (نحوه­ی به­کارگیری زبان) (Bachman, 1990) است. بنابراین هر منبع زبانی که بتواند دانش کاربران غیربومی یک زبان را از مؤلفه­های فرهنگی و اجتماعی جامعه­ی زبانی آن افزایش دهد منجر به افزایش توانش­های زبان­شناختی اجتماعی و کاربردشناختی و در نهایت توانش ارتباطی آن کاربران خواهد شد. یکی از این منابع اصیل فرهنگی، ادبی و زبانی ضرب­المثل­ها به عنوان بخشی از ادبیات عامه­ی یک جامعه­ی زبانی هستند.

ضرب­المثل­ها به­ویژه ضرب­المثل­های رایج که برگرفته از زبان روزمره­ی مردم یک جامعه­ی زبانی هستند، زمینه­ی آشنایی کاربران غیربومی با ویژگی­های جامعه­شناختی آن زبان (دانش زبان­شناسی اجتماعی) را فراهم می­سازند. علاوه بر فواید کلی جامعه­شناختی زبانی ضرب­المثل­ها، هر یک از عناصر (انسانی، حیوانی، گیاهی، و ...) به­کار رفته و نحوه­ی به­کارگیری آن­ها در ضرب­المثل­های یک جامعه­ی زبانی نیز می­تواند نمادی از مؤلفه­های فرهنگی-اجتماعی آن جامعه و منبع خوبی برای افزایش آگاهی و سواد فرهنگی-اجتماعی کاربران غیربومی آن زبان باشد. در میان اسامی به­کار رفته در مَثل­ها، اسامی مربوط به حیوانات، به جهت فراوانی، نقش قابل توجهی دارند که به منظور تأکید بر یک یا چند مختصه­ی معنایی مشترک در مفهوم آن اسامی و انسان به­کار می­روند (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 139) و این «جانوران نمادین اساساً می­توانند بازتاب تیپ­های شخصیتی و گویای نمودهای رفتارهای گوناگون آدمی به­شمار آیند» (Rahimi & Rahimi, 2021, p. 107).

حیوانات که از دیرباز در تعامل با بشر قرار داشته و قرن­ها در امور مختلف زندگی، همانند حمل و نقل، کشاورزی، تولید منابع غذایی، جنگ­ها و غیره به­کار گرفته می­شده­اند، همواره به­مثابه­ی یک منبع الهام در ادبیات و به­ویژه در ضرب­المثل­ها نقش ایفا کرده و به عنوان ابزاری برای ایجاد شناخت در زندگی بشر و عینی کردن برخی مفاهیم به­کار رفته­اند (Erfatpour, 2019, p. 2). از این­رو، «نام حیوانات از پرکاربردترین واژه­هایی هستند که در ضرب­المثل­های فارسی، در دیوان شاعران پیشین و معاصر برای نمایاندن ساحت­های مادی و معنوی استفاده شده است.» (Arman et al., 2019, p. 207). آثار معروفی همچون کلیله و دمنه، مرزبان­نامه، منطق­الطیر عطار، بخشی از حکایات مثنوی و آثار بسیارِ دیگری که ذکر همه­ی آن­ها مجالی فراخ می­طلبد، از زبان حیوانات ترتیب داده شده است و شاید ضروت­هایی همچون، سرگرمی، انتقاد، تعلیم، بیان نمادین و غیرمستقیم باعث به­کارگیری حیوانات در آثار ادبی شده است (Moosavi, 2015, p. 863). اما «از دلایل روی آوردن به کاربرد نمادهای جانوری در ضرب­المثل­ها می­توان به عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی، جذابیت ضرب­المثل­ها، ایجاز کلام و پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف مفاهیم نیش­دار، اشاره کرد.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, pp. 121-122). زیرا «در ضرب­المثل­ها، هر یک از مفاهیم انتزاعی، به وسیله­ی نمودهای حیوانی بیان شده­اند که برای درک آسان­تر مفاهیم انتزاعی با مفاهیم نمادین در ضرب­المثل­ها بیان می­شوند.» (Arman et al., 2019, p. 210) و توسل به حیوانات و ذکر تمثیل­های رمزی در واقع «نوعی از استدلال است که برای اقناع مردم عادی و انتقال فکر به آن­ها به عنوان بهترین شیوه­ی بیان شناخته می­شود.» (Pournamdarian, 1987, p. 121 به نقل از Moosavi, 2015, p. 864). البته کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف با هم فرق دارد، این تفاوت­ها که اغلب ریشه­های فرهنگی-اجتماعی و طبیعی-جغرافیایی دارند می­توانند کاربران غیربومی یک زبان را در درک و به­کارگیری ضرب­المثل­های آن زبان با چالش­هایی مواجه سازند.

در این پژوهش «با توجه به اهمیت نام حیوانات در گنجینه­ی ضرب­المثل­ها، چه به لحاظ فراوانی و چه به لحاظ نقش و کاربرد» (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 140)، به­ویژه در «کاربردشناختی زبانی و اجتماعی»[[4]](#footnote-4) و یادگیری «مؤلفه­های فرهنگی-اجتماعی و زبان­شناختی اجتماعی»[[5]](#footnote-5) جامعه­ی فارسی­زبان برای غیرفارسی­زبانان، به این سؤال پاسخ داده می­شود که «نمادهای حیوانی ضرب­المثل­ها چه نقشی را در افزایش دانش زبان­شناختی اجتماعی و سواد فرهنگی-اجتماعی و تقویت توانش کاربردشناختی و ارتباطی یادگیرندگان خارجی زبان فارسی ایفا می­نمایند؟». «نتایج چنین پژوهش­های کاربردی می­تواند در تدوین و برنامه­ریزی درسی فارسی­آموزان خارجی برای آشنا ساختن بیشتر آنان با مؤلفه­­های کاربردشناختی زبان فارسی مؤثر باشد.» (Sedaghat, 2013, p. 143).

**2. چارچوب نظری**

با توجه به هدف پژوهش -نقش ضرب­المثل­های فارسی حاوی نمادهای حیوانی در افزایش دانش فرهنگی-اجتماعی فارسی­آموزان- مبنای نظری پژوهش ارتقاء توانش زبان­شناسی اجتماعی به عنوان بخشی از توانش ارتباطی در نظر گرفته شد. اصطلاح توانش ارتباطی را هایمز(Hymes, 1972)، زبان­شناس اجتماعی در نقد محدودیتِ تعریف چامسکی (Chomsky, 1965) از توانش -به دلیل در نظر نگرفتن عوامل اجتماعی- مطرح ساخت. بعدها دیگران طبقه­بندی­هایی از این توانش ارائه دادند. کنل و سوآین (Canale & Swain, 1980) توانش ارتباطی را به توانش­های «دستوری»[[6]](#footnote-6)، «گفتمانی»[[7]](#footnote-7)، «زبان­شناختی اجتماعی»[[8]](#footnote-8) و «راهبردی»[[9]](#footnote-9) تقسیم نمودند که:

* توانش دستوری: بخشی از توانش ارتباطی است که شامل دانش زبانی (آوایی، واژگانی، دستوری و معنایی) و در حد ادای جملات است.
* توانش گفتمانی: بخشی از توانش ارتباطی است که از دانش زبانی برای ادای فراتر از جملات در گفت­وگوها استفاده می­شود.
* توانش زبان­شناختی اجتماعی: بخشی از توانش ارتباطی است که به نقش دانش فرهنگی-اجتماعی برای شرکت در گفت­وگوها می­پردازد.
* توانش راهبردی: بخشی از توانش ارتباطی است که فرد را قادر به برقراری ارتباطی موفق حتی بدون دانش زبانی کافی می­سازد.

باخمن (Bachman, 1990) نیز طبقه­بندی مذکور را با تغییراتی ارائه و توانش ارتباطی را به دو بخش «سازمانی»[[10]](#footnote-10) و «کاربردشناختی»[[11]](#footnote-11) تقسیم کرد: توانش گفتمانی را با عنوان «توانش متنی»[[12]](#footnote-12) و به همراه توانش دستوری زیرشاخه­ی توانش سازمانی قرار داد، و توانش زبان­شناختی اجتماعی را زیرشاخه­ی توانش کاربردشناختی در نظر گرفت. البته با توجه به هدف پژوهش (بررسی کارکردهای کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی) تفاوت­های جزئی موجود میان دو طبقه­بندی کنل و سوآین و باخمن (Canale & Swain, 1980; Bachman, 1990) مد نظر نیست؛ توانش زبان­شناختی اجتماعی چه به صورت مجزا، و چه به عنوان بخشی از توانش کاربردشناختی، توانشی است که با تقویت دانش فرهنگی-اجتماعی، توانش ارتباطی فارسی­آموزان را افزایش می­دهد. علاوه بر این، الگوی ­اصلاح شده­ی ریچموند[[13]](#footnote-13) (Richmond, 1987) -در بخش الگوی پیشنهادی پژوهش- برای مقایسه­ی شباهت­ها و تفاوت­های کاربردی، ساختاری و معنایی ضرب­المثل­های زبان فارسی با ضرب­المثل­های زبان مادری فارسی­آموزان ملل مختلف پیشنهاد می­شود.

**3. پیشینه­ی پژوهش**

علم ادبیات با علوم انسانی و اجتماعی پیوند دارد؛ و بخشی از برساخته­های ذهنی انسان را مطالعه می­کند. انسانی که زاده­ی اجتماع خویش و جبر حاکم بر آن است؛ از این­رو، ادبیات هر سرزمینی بی­آن­که به بسترهای اجتماعی آن پرداخته شود، قابل پژوهش نیست (Forsati Jouybari & Nabayi, 2013, p. 146). پژوهش­های میان­رشته­ای، به­واسطه­ی پرداختی دو یا چندسویه به مفاهیم، در مقایسه با پژوهش­های محض، دارای برآیندی بهتر و کاربردی­ترند. این مسئله از آن روست که چنین پژوهش­هایی نه تنها گستره و کارآمدی چند دانش را به­گونه­ای هم­زمان باز می­نمایند، بلکه افق­های تازه­تری را نیز برای تحقیق و پژوهش آشکار می­سازند (Rahimi & Rahimi, 2021, p. 123)، و «امثال منبع در خور اعتمادی در پژوهش­های میان­رشته­ای ادبی-جامعه­شناختی است.» (Forsati Jouybari & Nabayi, 2013, p. 148). از برخی پژوهش­هایی که به کاربرد حیوانات در اَمثال –این بخش پرکاربرد زبان- پرداخته­اند و در مطالعه­ی میان­رشته­ای حاضر نیز از آن­ها استفاده شده است می­توان به موارد زیر اشاره نمود:

* در تحلیلی که حاجیان­نژاد و بهزادیان (Hajian Nejad & Behzadian, 2020) از کیفیت و کمیت بهره­گیری از نمادهای جانوری در ضرب­المثل­های فارسی ارائه می­دهند، به وانمایی نقش نمادین حیوانات و انگیزه­ها و دلایل به­کارگیری نمادهای جانوران در این ضرب­المثل­ها می­پردازند. آن­ها با طبقه­بندی حیوانات به­کار رفته در ضرب­المثل­های فارسی به چهار دسته­ی حیوانات اهلی، حیوانات غیر اهلی، پرندگان و حشرات، و برشمردن فواید به­کارگیری و یافتن بسامد آن­ها، به این نتیجه می­رسند که حیوانات اهلی –به­دلیل برخورد مداوم و هم­زیستی شبانه­روزی جامعه­ی سنتی ایران با این جانوران- بیشترین و پرندگان کمترین بسامد را در این ضرب­المثل­ها داشته­اند.
* رحیمی و رحیمی (Rahimi & Rahimi, 2021) با توجه به اهمیت آگاهی از تیپ­های شخصیتی در بهبود روابط اجتماعی، به بررسی تیپ­های شخصیتی و نمادهای جانوری در امثال و حکم و فرهنگ عامه بر اساس «نظریه­ی آلفرد آدلر»[[14]](#footnote-14) پرداخته و به این نتیجه ­رسیده­اند که دو جانور برگزیده، «گرگ» و «میش/گوسفند/بره» با دو تیپ سلطه­گر-بهره­کش و گیرنده-سلطه­پذیر در مطالعات جامعه­شناختی، ذیل عنوان طبقات اجتماعی مطالعه می­شوند؛ تیپ شخصیتی دوری­گزین-اجتنابی نیز در جانور نمادین «جغد/ بوم/ بوف/ کوف/ مرغ بهمن» نمود می­یابد، و «هدهد» تیپ شخصیتی سودمند اجتماعی را بازتاب می­دهد.
* آرمان و همکاران (Arman et al., 2019) به واکاوی استعاره­های مفهومی صور حیوانی در ضرب­المثل­های برآمده از متون ادبی، بر اساس نظریه­ی زبان­شناسی شناختی، می­پردازند. نتایج آن­ها نشان می­دهد نگاشت­های مشاهده شده از حیوانات بیانگر استعاره­ی مفهومی «ضعف و ناتوانی» با بیشترین بسامد هستند و پس از آن، به ترتیب استعاره­های مفهومی «دشمنی»، «نیرومندی» و «نادانی و بی­خردی» قرار دارند.
* موسوی (Moosavi, 2015) به بررسی نوع حیوانات و علل وجود آن­ها در ضرب­المثل­های فارسی پرداخته که طبق نتایج این بررسی از میان حیوانات به­کار رفته در ضرب­المثل­های فارسی، حیوانات اهلی و در دسترس از لحاظ تنوع کمتر از وحوش، اما از لحاظ تعداد تکرارِ فرد به فرد و بسامد بیش از آن­ها هستند. او این امر را ناشی از ماهیت تشبیهی و انتقادی ضرب­المثل­ها می­داند.
* شریفی­مقدم و ندیمی (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013) با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی، تحلیلی معنی­شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب­المثل­های گویش لار ارائه می­دهند. طبق نتایج تحلیل آن­ها موضوعِ غالب در کاربرد نام حیوانات در مثل­ها، انعکاس مسائل اخلاقی و آموزشی، و بیشترین کارکرد متوجه نهاد تعلیم و تربیت بوده است.

علاوه بر این، از پژوهش­هایی که جنبه­ی تطبیقی و مقایسه­ای دارند می­توان به پژوهش­های زیر اشاره نمود:

* عِرفت­پور (Erfatpour, 2019) برای تبیین مفاهیم مختلف کارکرد حیوانات، ضرب­المثل­های عربی و فارسی را ارزیابی کرده و به این نتیجه می­رسد که در ضرب­المثل­های هر دو زبان برخی از پرکاربردترین حیوانات (شتر، سگ، گرگ و کلاغ)، با ملموس نمودن مفاهیم انتزاعی و ترسیم برخی از موقعیت­ها، گاهی ویژگی­ها و رفتارهای طبیعی و مثبت و منفی انسان­ها و گاهی مفاهیم پندآموز را مطرح می­نمایند که اشتراکاتی در دیدگاه هر دو زبان به حیوانات وجود دارد.
* وانگ زن رونگ (Wang Zan Rung, 2014) نیز به مقایسه­ی حیوانات در ضرب­المثل­های چینی و فارسی پرداخته، و به شباهت­ها و تفاوت­های برخی حیوانات (مار و اژدها، ببر و شیر، و اسب) به­کار رفته در ضرب­المثل­های دو زبان مذکور اشاره می­نماید و علت تفاوتِ­ نوع و کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های این دو زبان را تأثیرات فرهنگی و جغرافیایی می­داند.

در میان پژوهش­های انجام شده، پژوهشی که به نقش نمادهای حیوانی ضرب­المثل­ها در افزایش دانش زبان­شناختی اجتماعی و سواد فرهنگی-اجتماعی زبان­آموزان پرداخته باشد مشاهده نشد؛ ولی پژوهش­های مطرح شده در پیشینه، در تحلیل یافته­های پژوهش حاضر جهت نمایاندن فواید کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی ضرب­المثل­ها در فارسی­آموزی و کارکردهای آن­ها برای کاربران غیربومی فارسی به­ویژه برای فارسی­آموزان خارجی مقیم ایران (فارسی به عنوان زبان دوم) جهت تقویت توانش کاربردشناختی و ارتباطی آنان به­کار برده شدند.

**4. روش­شناسی پژوهش**

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و روش اسنادی-تحلیلی انجام شده است؛ «روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره­ی پدیده­هایی است که قصد مطالعه­ی آن­ها را داریم.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 65). «در این روش، پژوهشگر داده­های پژوهشی خود را درباره­ی کنشگران، وقایع و پدیده­های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع­آوری می­کند» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 63). البته «جمع­آوری منابع مرحله­ای جدا از مطالعه­ی آن­ها نیست زیرا با مطالعه­ی بیشتر و عمیق­تر است که زوایای آشکار و پنهان موضوع مشخص شده و پژوهشگر را به سمت بررسی­های عمیق­تر رهنمون می­سازد» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 73) که «می­تواند از سطح توصیف فراتر رفته و به تفسیر و تحلیل پدیده یا موضوع نائل آید.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 71). «در روش اسنادی، علاقه­ی پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه­های اسناد و متون یا تحلیل­های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 65). «روش اسنادی، در مقام یک روش مستقل، می­تواند از تکنیک­های پژوهشی متعددی از جمله فراتحلیل­های کیفی، تحلیل محتوا، تحلیل مجدد آمارها، تحلیل ثانویه، کدگذاری و طبقه­بندی بهره بگیرد.» (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, pp. 70 & 87). در این روش سؤالاتِ چرایی، از نوع تبیین تفسیری­اند و سؤالاتِ چگونگی، در سطح نظری قرار دارند (Sadeghi Fasai & Erfanmanesh, 2015, p. 71).

در این مقاله داده­های جمع­آوری شده، برگرفته از اسناد و پژوهش­هایی است که به کارکرد و جایگاه حیوانات در ضرب­المثل­ها پرداخته­اند؛ پژوهشگر با استناد و تحلیل این داده­ها به فواید کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی در فارسی­آموزی، به­ویژه فارسی­آموزی به عنوان زبان دوم -برای فارسی­آموزان خارجی مقیم ایران- می­پردازد و با انجام اصلاحاتی، الگوی ریچموند (Richmond, 1987) را برای مقایسه­ی تفاوت­ها و شباهت­های کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف -به­ویژه برای مقایسه­ی ضرب­المثل­های زبان مادری فارسی­آموزان ملل مختلف با ضرب­المثل­های زبان فارسی- ارائه می­دهد.

**5. واکاوی و تفسیر یافته­ها**

«ضرب­المثل­ها آینه­ی تمام­نمای تجربیات، اندیشه­ها، سلیقه­ها و خلقیات مردم کوچه و بازار است که طی قرون و اعصار متمادی در بستر فرهنگ زبانی عوام شکل یافته است.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 144) و هر چند شاعرانی همچون سعدی، فردوسی و مولانا ضرب­المثل­های زیادی را خلق و نقل کرده­اند؛ اما خالق اغلب ضرب­المثل­ها مردم عادی هستند (Hadissi, 2010, p. 599). ضرب­المثل­ها با آن­که ساختاری روان و معنایی روشن و قابل فهم دارند، ولی گاه بهره­گیری از برخی عناصر بلاغی علاوه بر این­که ضرب­المثل­ها را زیباتر و مؤثرتر کرده به مفاهیم آن­ها عمق و ژرفا بخشیده و آن­ها را قابل تأمل­تر کرده است. یکی از این عناصر نماد است (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 121) و یکی از این نمادها، نمادهای حیوانی یا جانوری است. بهره­گیری از نمادهای جانوری نقش مهمی در خلق تصاویر و القای مفاهیم در ضرب­المثل­های فارسی دارد (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 144). «در ضرب­المثل­های فارسی گاهی شخصیت نمادین جانوران همراه با موقعیت زیستی و واکنش­های طبیعی جلوه کرده و گوینده در القای مفاهیم مورد نظر خطاب به مخاطبِ ضرب­المثل از این بیان نمادین بهره گرفته است.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 123).

نمادین بودن برخی عناصر همچون اسامی حیوانات به­کار رفته در ضرب­المثل­ها را باید در ماهیت خودِ اَمثال جست­وجو کرد. از آن­جا که مثل جمله­ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلّیت در میان مردم شهرت و رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر آن را به کار می­برند (Zolfaghari & Ameri, 2012, p. 107). از این­رو، «از دلایل روی آوردن به کاربرد نمادهای جانوری در ضرب­المثل­ها می­توان به عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی، جذابیت ضرب­المثل­ها، ایجاز کلام و پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف مفاهیم نیش­دار، اشاره کرد.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, pp. 121-122). زیرا کاربرد الفاظ متعلق به حیوانات بیش از آن­که به مفهوم مستقیم خود حیوان ارجاع داشته باشد، به معنای ضمنی و استعاری آن، که همان صفات منتسب به حیوان یا به عبارتی صفات مشترک انسان و حیوان است، اشاره می­کند. این مفاهیم با توجه به ویژگی­های ظاهری، خلق­وخو، رفتار و جثه­ی حیوان و بر اساس برداشت یا تصور جامعه­ی انسانی از آن حیوان شکل گرفته است (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 148). اما گاهی برداشت و تصوراتی که مردم یک جامعه از یک حیوان دارند با تصورات مردم جوامع دیگر هماهنگ و یکسان نیست. بررسی این ناهمخوانی­های زبانی-فرهنگی موجب کشف بسیاری از شباهت­ها و تفاوت­های جوامع زبانی مختلف و دستیابی به طرح­واره­های فکری مردم آن جوامع می­شود. در نتیجه «از مسیر چنین داده­هایی می­توان زمینه­های غالب فکری، فرهنگی و سیاسی مثل­ها را واکاوی و ریشه­های آن را تحلیل کرد.» (Gholami & Ahmadi, 2019, p. 125). زیرا «ضرب­المثل پیوندی عمیق با فرهنگ و جامعه دارد. از این­رو منبعی ارزشمند در مطالعات اجتماعی و فرهنگی است.» (Gholami & Ahmadi, 2019, p. 90)؛ اما این­که این داده­ها و اطلاعات برگرفته از این منبع غنی زبانی «تا چه اندازه از فرهنگ ملی، اجتماعی و یا مذهبی مایه­ورند پرسش­هایی است که به پژوهش و شناسایی بیشتر نیازمند است» (Gholami & Ahmadi, 2019, p. 126). برای مثال، با بررسی کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب­المثل­های فارسی می­توان متوجه شد نگاه جامعه­ی فارسی­زبان به بعضی حیوانات جنبه­ی ملی و اسطوره­ای (مانند: نقش شیر در پرچم و آثار باستانی ایران)، باورهای اجتماعی (مانند: خبرچینی، نحسی، شومی و بدشگونی کلاغ از نظر ایرانیان) و مذهبی (مانند: نجاست موش و سگ از نظر فقه اسلامی) دارد. در نتیجه «توجه به ادبیات عامه به­ویژه ضرب­المثل­ها که بیانگر روحیات اجتماعی و عقاید و افکار مردم کوچه و بازار است، می­تواند در شناخت هر چه بیشتر اندیشه­های اجتماعی ایرانیان مؤثر باشد.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 124).

نتایج پژوهش حاضر در چند بخش اصلی تقسیم می­شوند؛ بخش اول: نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی؛ بخش دوم: فواید و کارکردهای کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی؛ بخش سوم: شباهت­ها و تفاوت­های کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب­المثل­های فارسی و خارجی و دلایل آن؛ بخش چهارم: الگوی پیشنهادی پژوهش برای مقایسه­ی نمادهای حیوانی ضرب­المثل­های زبان­های مختلف به­ویژه در زبان­آموزی (برای مثال، در فارسی­آموزی).

**5. 1. نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی**

«کاربرد مفاهیم ضمنی در زبان امری متداول بوده و گاه تعداد این مفاهیم بسیار بیشتر از مفهوم اصلی واژه است.» (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 143). تکرار کاربرد کنایی و استعاری بعضی پدیده­ها، اشیا و القای مفاهیمی خاص در بهره­گیری از آن­ها سبب شکل­گیری معانی نمادین آن­ها می­شود، به­شیوه­ای که آن پدیده­ها معانی دیگری غیر از معنای اصلی خود را به ذهن مخاطب القا می­کنند و این همان چیزی است که به آن "نماد" می­گوییم (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 122). بسیاری از ضرب­المثل­های فارسی ساخته و پرداخته­ی مردم کوچه و بازار است و تعامل نزدیک آنان با جانوران اهلی و خانگی و پندار و تلقی آنان از جانوران اهلی و وحشی و عقاید آنان نسبت به منش و رفتار حیوانات گوناگون نوعی تلقی نمادین را از جانوران در ذهن و زبان مردم رقم زده که در ضرب­المثل­ها نمود پیدا کرده است (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 123).

طبق بررسی­ها، حیواناتی که بالاترین بسامد را در مثل­ها دارند، اغلب رام و اهلی هستند و 1. ارتباط مستقیم و روزانه­ای با زندگی مردم و عامه ساکن در کوچه و بازار داشته­اند؛ و 2. در دسترس و دیدرس بوده­ا­ند؛ و حیواناتی که کمترین بسامد را در مثل­ها دارند، اغلب نه تنها رام و اهلی نیستند، بلکه دسته­ای از آن­ها خطرناک هم هستند و 1. اغلب حیواناتی هستند که ارتباط مستقیم و مستمر با زندگی انسان­ ندارند؛ و 2. کمتر در دیدرس و تماس مستقیم هستند. به­طور خلاصه، بر اساس بسامد حیوانات در مثل­ها، تعداد به­کارگیری و ذکر نام هر جانوری که با انسان الفت دارد و رام اوست نسبت به جانورانی که از نوع وحوش محسوب می­شوند بیشتر است (Moosavi, 2015, p. 866). علاوه بر این، ردّ پای پرندگان در ضرب­المثل­های فارسی نیز مشهود است، از قدیم­الایام رفتار و حالات آن­ها مورد توجه بوده و به صورت نمادین در طی قرون و اعصار سینه به سینه و بعضاً به­صورت مکتوب به نسل­های بعدی منتقل شده است (Erfatpour, 2019, p. 24). البته در بهره­گیری از نمادهای جانوری، برخلاف حیوانات اهلی که از بیشترین بسامد در ضرب­المثل­ها برخوردارند، پرندگان کمترین بسامد را در ضرب­المثل­های فارسی دارند (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 121).

در جدول­های (1) و (2) برگرفته از حاجیان­نژاد و بهزادیان، و آرمان و همکاران (Arman et al., 2019; Hajian Nejad & Behzadian, 2020) به بعضی از نمادهای حیوانی (حیوانات اهلی، غیراهلی، پرندگان و حشرات) جهت بازنمایی برخی ویژگی­های منفی و مثبت ظاهری، باطنی و رفتاری اشاره شده که در بعضی موارد با هم همپوشانی دارند. طبق این جدول­ها، حیواناتی که درنده­خو و خطرناک هستند نماد آزار، بدی، زشتی، پلیدی، ظلم و دشمنی؛ حیوانات کوچک نماد فرومایگی، حقارت، ضعف و ناتوانی؛ بعضی حیوانات نماد عاشقی، نیرومندی، شجاعت و شرافت؛ حیواناتی نیز نماد نادانی، بی­خردی، حرص و طمع­کاری هستند.

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول (1): نمادهای جانوری (حیوانات اهلی، غیراهلی، پرندگان و حشرات)**  **برگرفته از حاجیان­نژاد و بهزادیان (**Hajian Nejad & Behzadian, 2020**)** | |
| **نمادها** | **نام حیوانات** |
| بلاهت (نادانی)، حماقت، حقارت، فرومایگی، بی­لیاقتی، پستی | خر، گاو |
| درشت­اندامی، هیکل­مندی، بدقوارگی، بدترکیبی | شتر |
| اصالت، مقام، مرتبه­ی برتر | اسب |
| وفاداری، نمک­شناسی (قدرشناسی)، فرومایگی، پستی، پلیدی، نجس بودن | سگ |
| حقارت، خیانت، طمع­ورزی، فرصت­طلبی، بی­حیایی | گربه |
| شرارت، ظلم، طمع­ورزی، خون­ریزی، خیانت | گرگ |
| حیله­گری، طمع­کاری، دغل­کاری | روباه |
| قدرت، شجاعت، اصالت، شرافت | شیر |
| درندگی، خون­ریزی، ستمگری | پلنگ |
| حقارت، نااهلی | شغال |
| رعیت و مردم مظلوم | گوسفند |
| ضعف، ناتوانی، ناشایستگی | بز |
| هیکل­مندی، بزرگی، قدرت | فیل |
| نادانی، بی­هنری، نااهلی، ناشی­گری (بی­تجربگی)، بخل، هیکل­مندی | خرس |
| محتاط بودن، جاسوسی، نجاست | موش |
| شرارت، بدذاتی، آسیب­رسانی | مار، افعی |
| فرومایگی، زشتی، نااهلی | میمون، بوزینه |
| چالاکی، باهوشی | خرگوش |
| نوکیسه، بی­هنر | قورباغه |
| خبث­ طینت، آسیب­رسانی | عقرب، کژدم |
| انسان­های ازخودراضی | خرچنگ |
| ضعف، حقارت، کراهت، سیاهی، شومی، زشتی، خبررسانی، منفور بودن | کلاغ، غراب، زاغ |
| زن­دوستی، خانواده­دوستی | خروس |
| ضعف، کوچکی، بی­مقداری | گنجشک |
| پیک، قاصد | کبوتر، کفتر |
| خوش­آوازی | بلبل، عندلیب |
| مال و نعمت | طاووس |
| خوش­زبانی، پرگویی | طوطی |
| کم­حرفی، صدای نامطلوب | جغد |
| چیزی بهتر و ارزشمندتر | غاز |
| بلندمرتبگی، ارزشمندی | باز، شهباز |
| محروم بودن از آفتاب حقیقت | خفاش |
| تجاهل | کبک |
| بهانه­گیری، نفاق | شترمرغ |
| قدرت، بزرگی | عقاب |
| دورویی | بوقلمون |
| بی­لیاقتی، ناشایستگی | مرغابی |
| سود و منفعت | ماهی |
| ضعف، ناتوانی | مورچه |
| مزاحمت، دردسرآفرینی، ضعف، ناتوانی | مگس |
| ضعف، ناتوانی | پشه |
| حقارت، پستی | شپش |
| عیب ذاتی و درونی | کرم |
| آسیب­رسانی | زنبور |
| کم­ارزشی | ملخ |
| ضعف، ناتوانی | عنکبوت |
| شرارت، قاتل بودن، انسان­های حسود و طمّاع | رتیل |

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول (2): حیوانات نماد خصلت­های انسان**  **برگرفته از آرمان و همکاران (**Arman et al., 2019**)** | |
| **نام حیوانات** | **نماد­ها** |
| اژدها، سگ | **نفس** (اژدها و سگ نماد نفس اماره) |
| اژدها، شیر درنده، افعی، حیوان درنده، مار، سگ، مور، موش | **دشمنی** (شیر درنده، افعی و اژدها نماد قدرت دشمن؛ حیوان درنده نماد کینه­جویی دشمن؛ مار نماد نیرومندی و آسیب­رسانندگی دشمن، سگ نماد بداندیشی دشمن؛ مور نماد حقارت دشمن و موش نماد دشمن حقیر و موذی) |
| ماهی، بلبل، پروانه، شتر مست | **عشق** (ماهی نماد عاشق؛ بلبل نماد عشق­ورزی عاشق به­ویژه عاشق ظاهربین؛ پروانه نماد عاشق واقعی، بی­پروا و دلسوخته؛ شتر مست نماد صبر و تحمل عاشق) |
| مگس، پشه، مور، بچه آهو، سگ، گوسفند، میش، رنگ (بز کوهی)، گنجشک، صعوه (گنجشک یا پرنده­ی کوچک)، پروانه، مرغ، خر (حمار)، خفاش، شغال | **ضعف و ناتوانی** (پشه و مور نماد شخص ضعیف و حقیر؛ بچه آهو نماد شخص ضعیف و آسیب­پذیر؛ سگ نماد شخص ضعیف و ناامید؛ گوسفند نماد مردم مظلوم و ناتوان؛ میش و صعوه (پرنده­ی کوچک) نماد شخص ضعیف و ناتوان؛ گنجشک نماد شخص ناتوان و حقیر؛ خفاش نماد ناتوان از رؤیت حقیقت؛ خر نماد ناتوانی از انجام کار بزرگ؛ خرِ لنگ نماد شخص کاهل و ناتوان؛ پروانه، شغال، مرغِ بی­پر، رنگ (بز کوهی) و مگس نماد ناتوانی) |
| خر، گاو، گوساله، ستور (چارپا برای سواری یا باربری)، بهیمه (چهارپایانی مانند گاو و گوسفند) | **نادانی و بی­خردی** (بهیمه، خر، گاو و گوساله نماد شخص نادان؛ خر پیر نماد نادانِ باتجربه؛ ستور نماد شخص بی­خرد؛ خر نماد نادانِ سرباززننده از کار) |
| سگ، گرگ، مگس و مرغ | **حرص و طمع­کاری** (سگ و گرگ نماد شخص طمع­کار؛ مگس نماد دوست دغل و طمع­کار؛ مرغ نماد شخص حریص) |
| پلنگ، گرگ، دد (حیوان درنده) | **ظالم** (پلنگ نماد حاکم ظالم، ستمگر و نیرومند؛ دد نماد پادشاه ستمگر و بی­انصاف؛ گرگ نماد حاکم ستمگر) |
| جغد، کرکس، سگ، خر، گاو، وزغ، مگس | **فرومایگی و حقارت** (سگ، خر، گاو و وزغ نماد شخص فرومایه؛ مگس نماد شخص حقیر و بی­مقدار؛ جغد نماد شخص فرومایه و نامبارک؛ کرکس نماد شخص حقیر و فرومایه) |
| صدف (نوعی جانور آبزی نرم­تن)، هما (پرنده­ای مانند شاهین) | **قناعت** (صدف و هما نماد قناعت) |
| پیل (فیل)، شیر، بچه شیر، عقاب، نهنگ، عنقا (سیمرغ) | **نیرومندی** (پیل نماد شخص نیرومند و قدرتمند؛ شیر نماد شخص شجاع، نیرومند، خطرناک و خشمگین، دلاور نیرومند، حریف نیرومند؛ بچه­شیر نماد کوچکِ آسیب­رساننده؛ نهنگ نماد قدرت، شجاعت و دلاور شجاع؛ عقاب نماد شخص نیرومند؛ عنقا نماد شخص نیرومند، با عزت نفس و با مناعت طبع، حریف توانا و دست­نیافتنی) |
| اسب تازی، نهنگ | **شرافت** (نهنگ نماد انسان شریف؛ اسب تازی نماد شرافت) |
| مار | **ظلم و بدی** (مار نماد ظلم و بدی) |
| مار، گرگ، شیر، خرمگس | **آزار دادن** (مار نماد مردم و سخن آزاررساننده؛ گرگ نماد شخص بد و آزاررساننده؛ خرمگس نماد شخص آزاردهنده؛ شیر نماد شخص آزاررساننده) |
| اژدها | **شجاعت و جنگ­آوری** (اژدها نماد جنگجوی شجاع) |
| اژدها، شیر، گرگ پیر، خرمگس | **فلک، زمانه وجهان** (اژدها نماد فلک؛ خرمگس نماد زمانه؛ شیر نماد چرخ؛ گرگ پیر نماد جهان) |
| پشه، سگ | **آلودگی و پلشتی** (پشه نماد شخص پلشت و آلوده؛ سگ نماد شخص پلید) |
| مار، اژدها | **جاه­طلبی و مال­پرستی** (مار نماد مال­پرستی و اژدها نماد جاه­طلبی) |
| مار، کژدم (عقرب) | **بدزبانی و سخن­های ناخوشایند** (مار و کژدم نماد بدزبانی و سخن­های ناخوشایند، آسیب­رساننده و آزاردهنده) |
| اسب تازی | اسب تازی نماد **آدم عجول و شتابکار** |
| گرگ | گرگ نماد **اجل** |
| استر (قاطر) | استر نماد **شخص بدون سود و فایده** |
| عندلیب (بلبل) | عندلیب نماد **شاعر** |
| باز شکاری | باز شکاری نماد **شخص باهمت** |
| پشه | پشه نماد **شخص خونخوار و** **دارنده­ی عمر کوتاه** |
| پشه خونخوار | پشه خونخوار نماد **عابدِ ریاکارِ شب­زنده­دار** |
| پلنگ | پلنگ نماد **شخص کینه­جو، متکبر و مغرور** |
| ژنده پیل (فیل بزرگ) | ژنده پیل نماد **شخص پُرخور** |
| خر | خر نماد **ثروت و دارایی** |
| خفاش | خفاش نماد **روی برتابنده از حقیقت** |
| دد (حیوان درنده) | دد نماد **شخص بدفعل** |
| دُم خر (از نظر کوتاهی) | دُم خر نماد **مِهرِ زنان** |
| رمه (گله) | رمه نماد **رعیت (زیردستان)** |
| روباه | روباه نماد **شخص زیرک و** شخص **محتاج و نیازمند** |
| کلاغ (غراب)، زاغ | کلاغ نمادشخص **حسود و** زاغ نماد شخص **زشت­رو** |
| سگ | سگ نماد شخص **ترسو** |
| سیمرغ (پرنده­ی افسانه­ای) | سیمرغ نماد شخص **بزرگ و بی­مانند** |
| شیر | شیر نماد **تقدیر و شخص بی­نیاز، پیروز و موفق** |
| شتر | شتر نماد **شخص با تأنی و وقار** |
| طوطی | طوطی نماد **شخص مقلّد** |
| عقاب | عقاب نماد **شخص بلندپرواز** |
| تار عنکبوت | تار عنکبوت نماد **سستی** |
| گرگ | گرگ نماد **شخص هولناک و آسیب­رسان** |
| گربه | گربه نماد **مراقب و نگهبان خیانت­کار و بی­وفا** |
| مار | مار نماد **بدبختی و یار بد** |
| مرغ | مرغ نماد **صبر و دل** |
| نهنگ | نهنگ نماد **خطرات عمر** |
| هما (پرنده­ای مانند شاهین) | هما نماد **شخص خجسته** |
| موش | موش نماد **شخص در دام افتاده** |
| طاووس | طاووس نماد **شخص زیبارو** |

**5. 2. فواید و کارکردهای کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی**

ضرب­المثل­ها ظریف­ترین افکار و اندیشه­ها و مهم­تر از همه، واقعیات یک جامعه را منعکس می­سازند. از این­رو، یکی از منابع غنی و مطمئن در مطالعه­ی فرهنگ یک جامعه هستند. ویژگی دیگر ضرب­المثل­ها، کاربرد کلمات معمول و مأنوس همچون اسامی حیوانات -اغلب با هدف برجسته ساختن یک مختصه­ی معنایی مثبت یا منفی در آن­ها و جلب نظر مخاطب به اهمیت موضوع- است (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 137). دلیل آن «استفاده از ویژگی­های طبیعی و باورهای رایج درباره­ی این موجودات برای ابلاغ منظور» است. (Moosavi, 2015, p. 867). زیرا تعامل انسان­ها با عناصر طبیعت به­ویژه جانوران تلقی خاصی از منش و شخصیت نمادین جانوری را در ذهن و زبان مردم رقم می­زند که در بیان اندیشه­های اخلاقی و بروز نگاه اجتماعی آنان دست­مایه­ی تصویرسازی می­شود. از این­رو، واکاوی انواع کاربرد نمادهای جانوری در ضرب­المثل­ها ما را با چگونگی تعامل فارسی­زبانان با جانوران در طول تاریخ و در گستره­ی جغرافیایی سرزمین ایران بیشتر آشنا می­کند (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 124). برای مثال، در ضرب­المثل­ها -که حاصل تجارب و مناسبات واقعی انسان از بطن اجتماع هستند- استفاده از اسامی حیواناتی که در تلقی عامه جایگاه پستی دارند حاکی از وجود اعتراض و انتقادهای وهن­آلودی است که ضرورت توسل به حیوانات و به­کارگیری آن­ها را در مثل­ها، در کنار سایر دلایل موجب شده است. در این میان گویی انتساب و کشف صفات زشت و ناهموار در حیواناتی که با انسان مجاورت و پیوستگی مدام دارند، بیشتر روی داده است. از این­رو، این دست از حیوانات نظیر خر، شتر و سگ که بسامد چشمگیری در مثل­ها دارند اسباب کارآمدی برای ابراز انتقاد و بیان اعتراض شده­اند (Moosavi, 2015, pp. 867-868). بنابراین، در ضرب­المثل­های فارسی «حماقت و نادانی خران و گاوان، دلاوری و شجاعت شیر، درنده­خویی گرگ و پلنگ، طمع­ورزی سگ به­کار گرفته می­شوند تا طینت و طبع افراد بشر به صورت ملموس توصیف شود.» (Erfatpour, 2019, p. 6).

**5. 2. 1. ادب و غیرمستقیم­گویی از منظر نمادهای حیوانی ضرب­المثل­های فارسی**

«طبق بررسی­ها حیوانات اهلی و در دسترس از لحاظ تنوع کمتر از وحوش، اما از لحاظ تعداد تکرارِ فرد به فرد و بسامد بیش از آن­ها هستند. این امر ناشی از ماهیت تشبیهی و انتقادی ضرب­المثل­هاست.» (Moosavi, 2015, p. 863) و «بهره­گیری مردم کوچه و بازار از این گونه جانوران و در معرض دید بودنشان موجب شده است که جایگاهی ثابت و پرتکرار در ضرب­المثل­های فارسی داشته باشند.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 127) تا کلام ملموس، مختصر، مؤثر، کنایه­آمیز و غیرمستقیم بیان شود. چرا که «گاه بیان غیرمستقیم با به­کارگیری آرایه­هایی چون کنایه، مجاز، استعاره و نماد به ضرب­المثل­های فارسی جنبه­ی ادبی و عمق و ژرفای بیشتری بخشیده و بر قدرت تأثیرگذاری آن افزوده است.» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, pp. 123-124)، به­ویژه در به­کارگیری نمادهای حیوانی. زیرا اغلب، «حیوانات به منظور بیان انتقاد غیرمستقیم، معرفی تیپ­های اجتماعی، تعلیم (اخلاق، عرفان، سیاست و ملک­داری و ...)، سرگرمی و ... به­ کار گرفته شده­اند» (Moosavi, 2015, p. 864) و این غیرمستقیم­گویی، نوعی بیان مؤدبانه­تر جهت «پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف مفاهیم نیش­دار» (Hajian Nejad & Behzadian, 2020, p. 122) محسوب می­شود.

از آن­جا که ادب و غیرمستقیم­گویی با هم رابطه­ی مستقیم دارند و طبق «نظریه­ی ادب»**[[15]](#footnote-15)** راهبردهای غیرمستقیم، راهبردهای مؤدبانه­تر­­­­­­­ و كنش­های گفتاری غیرمستقیم از همگانی­های زبان و شیوه­های مؤدّبانه­تر کلام هستند (Brown & Levinson, 1987). بنابراین می­توان گفت که بهره­گیری ضرب­المثل­ها از نمادهای حیوانی، اغلب راهبردی مؤدبانه برای تعدیل گفتمان با بیان غیرمستقیم­ کنش­های گفتاری است. در این­گونه موارد معمولاً گوینده منظور خود را ضمنی و غیرمستقیم به مخاطب می­رساند. از این­رو، شناخت جایگاه و کارکردهای حیوانات در یک جامعه­ی زبانی برای انتقال و درک منظور گوینده ضروری است. زیرا برای مثال، اگر یک چینی­زبان درک درستی از کاربرد و مفهوم منفی «اژدها» در جامعه­ی فارسی­زبان نداشته باشد و آن را با کاربرد و مفهوم مثبت این حیوان در جامعه­ی چینی­زبان یکسان در نظر بگیرد، هنگام به­کارگیری ضرب­المثلی حاوی نام این حیوان، به­دلیل عدم آشنایی با نحوه­ی صحیح به­کارگیری، در انتقال منظور خود به فارسی­زبانان به مشکل «انتقال کاربردشناختی»[[16]](#footnote-16) منفی یا همان «تداخل کاربردشناختی»[[17]](#footnote-17) برمی­خورد و با «شکست کاربردشناختی»[[18]](#footnote-18) به­ویژه «شکست کاربردشناختی اجتماعی»[[19]](#footnote-19)، و از همه مهم­تر با «تداخل ارتباطی»[[20]](#footnote-20) مواجه می­شود. از طرفی دیگر، یک چینی­زبان هنگام مواجهه با ضرب­المثلی فارسی دربردارنده­ی نام «اژدها» –با توجه به برداشتی که از کارکرد معنایی و مفهومی این حیوان در زبان مادری (مبدأ)[[21]](#footnote-21) خود دارد- در درک و برداشت خود از آن ضرب­المثل به اشتباه می­افتد. بنابراین آگاهی از کارکردهای اجتماعی و مفاهیم نمادهای حیوانی به­کار رفته در ضرب­المثل­ها و افزایش سواد فرهنگی-اجتماعی و شناخت بین زبانی و بین فرهنگی، ارتقاء دانش زبان­شناختی اجتماعی، تقویت توانش و درک کاربردشناختی مخاطبان و کاربران غیر بومی یک زبان، از بسیاری از سؤتفاهمات فرهنگی-زبانی پیشگیری، ابهامات کاربردشناختی بین زبانی را کم یا برطرف و ارتباطات را به­ویژه در آن جامعه­ی زبانی تقویت و آنان را برای شرکت مؤثر در «کنش­های ارتباطی»[[22]](#footnote-22) در «موقعیت­ها و رویدادهای کلامی»[[23]](#footnote-23) مختلف آماده می­نماید. در نتیجه یک فرد خارجی که درک کاربردشناختی اجتماعی بالایی از ضرب­المثل­های یک زبان و عناصر به­کار ­رفته در آن داشته باشد و همچنین بداند که چگونه و از چه ضرب­المثل­هایی، در کجا، چه زمانی و خطاب به چه کسی استفاده نماید، از توانش ارتباطی بالاتری نیز برخوردار می­شود و در نظر افراد آن جامعه­ی زبانی بهتر و صمیمی­تر جلوه می­نماید و از همه مهم­تر در آن جامعه بیشتر پذیرفته می­شود.

**5. 3. شباهت­ها و تفاوت­های کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب­المثل­های فارسی و خارجی، و دلایل آن**

«ضرب­المثل­ها در تمدن­ها و فرهنگ­های کهن شاخه­ای گسترده به­شمار می­رود و گاه ریشه در باورهای باستانی ملل دارد.» (Gholami & Ahmadi, 2019, p. 89) و «یکی از فرم­های زبان است که نه تنها داستان­های تاریخی و اساطیر باستانی را با خود نقل می­کند، بلکه آداب و رسوم، ادیان و شیوه­ی تفکر یک ملت را منعکس می­کند» (Wang Zan Rung, 2014, p. 27). از این­رو، «امثال، بزرگترین سرمایه­های ادب هر ملت و فشرده­ی افکار هر قوم (Homaei, 2009, pp. 124-148) و تعداد آن نشانگر وسعت فکر آن ملت است (Yousefi, 1984, p. 6)» (به نقل از Gholami & Ahmadi, 2019, p. 89) که بسیاری از تفاوت­های فکری ملت­ها را از مَثَل­های حاوی نمادهای حیوانی می­توان متوجه شد. زیرا با آن­که «انواع حیوانات در متون ادبی و به­ویژه در ضرب­المثل­ها جایگاه خاصی دارند، اما این کاربرد و معانی آن­ها در فرهنگ­های مختلف همیشه یکسان نیست.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 11) و «بسیاری از مثل­ها نشانی از مختصات فرهنگی و بومی یک منطقه یا یک قوم هستند.» (Gholami & Ahmadi, 2019, p. 90). از این­رو، «مقایسه­ی مثل­ها نه تنها ابزار مفیدی در جهت شناخت اشتراکات شناختی-فرهنگی است، بلکه تمایزات موجود میان فرهنگ­های مختلف را نیز آشکار می­سازد.» (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 141) و نشان می­دهد مَثَل این «عنصر فرهنگی و ادبی تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی هر سرزمینی ویژگی­های خاص خود را یافته است.» (Erfatpour, 2019, p. 1) و کاربرد نام حیوانات در مثل­ها ارتباط مستقیمی با جایگاه آن­ها در زندگی و فرهنگ مردم آن منطقه داشته و هر چه نقش حیوان و ارتباط (مثبت یا منفی) آن در زندگی مردم بیشتر باشد، از نام آن در گفتار و مثل­ها بیشتر استفاده شده است (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 158). در ادامه به بعضی از شباهت­ها و تفاوت­های کاربرد برخی حیوانات در ضرب­المثل­های دو فرهنگ تقریباً مشابه (عربی و فارسی) و دو فرهنگ تقریباً متفاوت (چینی و فارسی) و دلایل آن اشاره می­شود.

**5. 3. 1. شباهت­ها و تفاوت­های برخی حیوانات (نمادهای حیوانی) به­کار رفته در ضرب­المثل­های فارسی، چینی و عربی**

وانگ زن رونگ (Wang Zan Rung, 2014) با مقایسه­ی "اژدها و مار"، "ببر و شیر"، و "اسب" در ضرب­المثل­های چینی و فارسی (حیوانات پرکاربردی که در تقویم چینی و ایرانی نیز حضور دارند) نشان می­دهد که:

* در فرهنگ چینی و فارسی به سبب شباهت کاربرد "مار" در هر دو زبان، ضرب­المثل­های راجع به مار، برای مردم هر دو ملت قابل فهم است. اما "اژدها" با معنایی متفاوت در دو زبان به­کار می­رود. به نظر ایرانیان اژدها حیوان مجازی زمینی است که بدتر و وحشتناک­تر از مار به­شمار می­آید. ولی این وضعیت در زبان چینی برعکس است؛ زیرا اژدها، حیوانی آسمانی است که آن را سمبل پادشاه می­دانند و چینی­ها فرزندان اژدها تلقی می­شوند (Wang Zan Rung, 2014, p. 15). علاوه بر این، «اژدها تنها موجود اساطیری است که در تمام ملل جایگاه داشته و در کتب تاریخی چین، ژاپن، ایران، مصر، یونان، رم، و شمال اروپا از این موجود یاد شده است.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 21).
* «"شیر" حیوانی است که آن را پادشاه جنگل به­حساب می­آورند و سمبل پادشاهی، موفقیت و قدرت در زبان فارسی است.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 15). در ایران، شیر یک نماد ملی-مذهبی است که به خوبی پیوستگی فرهنگ ایران باستان و ایران پس از اسلام را منعکس می­سازد. ولی در ضرب­المثل­های مشابه فارسی در چینی برای بیان معنی یکسان، به جای شیر ایرانی از "ببر" چینی -که در فرهنگ چینی، پادشاه جنگل و نشانه­ی پادشاهی و قدرت است- استفاده شده است (Wang Zan Rung, 2014, p. 16).
* «"اسب"، در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی جایگاهی ویژه دارد.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 17). «اسب در چین [نیز] جایگاهی ویژه دارد.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 16). شباهت­های کاربرد اسب در ضرب­المثل­های چینی و فارسی نشان می­دهد «در هر دو فرهنگ، به دوندگی و راهواری و قدرت و تغذیه­ی اسب توجه شده است» (Wang Zan Rung, 2014, p. 18).

پس به­طور کلی علاوه بر تفاوت کاربرد حیوانی خیالی و اژدهایی که به­نظر چینیان سمبل پادشاه و پادشاهی است و در نگاه ایرانیان سمبل دیو و شرّ و پلیدی است. حیوانات واقعی که برای بیان معنای یکسان به­کار می­روند، گاهی معانی سمبلیک مشابه در دو فرهنگ پیدا می­کنند؛ مثلاً مار، در دو زبان چینی و فارسی حیوان وحشتناک و جنایتکار دانسته می­شود. ببر و شیر هر دو نشان دهنده­ی قدرت و پادشاهی هستند. اسب برای چینیان و ایرانیان، یار و همراه به­شمار می­آید؛ بنابراین حیوانات واقعی، طبیعت یک ملت را منعکس می­کنند خواه طبیعت و خواه فرهنگ. بنابراین ما نمی­توانیم زبان یک کشور را بدون آشنایی با فرهنگش تحلیل کنیم (Wang Zan Rung, 2014, p. 27) و باید در فرآیند زبان­آموزی، این شباهت­ها و به­ویژه تفاوت­های زبانی-فرهنگی را برای یادگیرندگان هر دو زبان به­ویژه فارسی­آموزان چینی در نظر گرفت.

«نقش­آفرینی حیوانات در آثار ادبی ایرانیان نیز مانند ادبیات عربی، پیشینه­ای طولانی دارد و از طریق ارتباط تنگاتنگی که با حیوانات وجود داشته، طبع و سرشت انسان­ها در این ضرب­المثل­ها به نمایش گذاشته می­شود» (Erfatpour, 2019, pp. 5-6). عرفت­پور (Erfatpour, 2019) با بررسی برخی از پرکاربردترین حیوانات (شتر، سگ، گرگ و کلاغ) در ضرب­المثل­های عربی و فارسی به این نتیجه می­رسد که:

* به دلیل ویژگی­های جغرافیایی، ارزش، تنوع و فراوانی "شتر" در کشورهای عربی، ضرب­المثل­های عربی «بر اساس جایگاه مهم شتر، ویژگی­های جسمی شتر، صفات و ویژگی­های رفتاری شتر، مراحل رشد شتر، بیماری­های شتر و نحوه­ی درمان آن­ها، برخی مفاهیم و بعضی از صفات و رفتارهای انسان­ها [را] بازتاب می­دهد» (Erfatpour, 2019, p. 6). علاوه بر کشورهای عربی، شتر در ایران نیز سابقه­ی دیرینه­ای دارد و در مناطق کویری آن نقش پراهمیتی داشته است؛ زیرا کویرنشینان با سوار شدن بر مرکبی همچون شتر توانسته­اند با شهرها و روستاهای دیگر ارتباط برقرار سازند و از پشم و شیر و گوشت این چهارپا نیز بهره ببرند. بنابراین با توجه به حضور شتر در برخی مناطق ایران، ضرب­المثل­هایی در سیر قرون مختلف در فرهنگ ایران بر پایه­ی ویژگی­ها و نقش شتر منعقد شده است. در بعضی ضرب­المثل­های فارسی شتر را نماد تأنی، قناعت و بردباری، و کینه­ی پایدار و سخت را «کینه­ی شتری»، و ترسو و بددل را «اُشتُردل» می­دانند (Erfatpour, 2019, p. 10).
* یکی دیگر از مهم­ترین حیوانات اهلی نزد عرب­های صحرانشین، "سگ" و به­ویژه سگ نگهبان است که در ادبیات آنان و به­ویژه ضرب­المثل­ها نمود بارزی دارد؛ عرب­ها از ویژگی­های سگ برای تبیین مقاصد خود و علی­الخصوص پرده برداشتن از برخی صفات و رفتارهای انسان­ها و انتقال مفاهیم پندآموز در قالب ضرب­المثل استفاده می­کنند (Erfatpour, 2019, pp. 13-14). ادبیات فارسی و به­ویژه ضرب­المثل­ها نیز توجه خاصی به سگ نشان داده­اند. سگ در ضرب­المثل­های فارسی گاه نماد وفاداری و پاسداری و حق­شناسی و گاه نماد نجاست و پستی، بداخلاقی و تندخویی و گزندگی و هیاهو و سروصداست و گاه نیز برای تبیین مقاصد دیگری به­کار می­رود (Erfatpour, 2019, p. 16). البته در فارسی و عربی ضرب­المثل­هایی که پستی و پلیدی سگ را برای تبیین دنائت طبع برخی از انسان­ها به­کار برده­اند، بسیار پرتعدادتر هستند از ضرب­المثل­هایی که صفات خوب و وفاداری سگ را برای تبیین خوبی و وفاداری انسان­ها به­کار می­برند.. بنابراین عرب­ها و ایرانیان در اَمثال خود، در نوع نگاهی که به سگ دارند، با هم شباهت زیادی دارند (Erfatpour, 2019, p. 26).
* "گرگ" در شبه جزیره­ی عرب زیاد بوده و به دام­ها و خود مردم آسیب می­رسانده است. از این­رو، نام گرگ نیز در ضرب­المثل­های عربی فراوان ذکر شده و از رفتارها، صفات و به­ویژه صفات بد گرگ در جهت تبیین صفات و رفتارهای انسان­ها و گاهی برای انتقال مفاهیم پندآموز استفاده شده است (Erfatpour, 2019, p. 19). گرگ در ادبیات فارسی مظهر درندگی و درنده­خویی است؛ در ضرب­المثل­های فارسی نیز طبع و رفتار بد گرگ دستاویزی برای انعکاس صفات پلید انسان­ها به­ویژه تبیین طبع و رفتار انسان­های ستم­پیشه استفاده شده است و جنبه­های منفی وجود آنان را به تصویر می­کشد؛ از جمله حیله­گری، درندگی، درنده­خویی و سیری­ناپذیری گرگ (Erfatpour, 2019, p. 20).
* "کلاغ" در شبه جزیره­ی عرب فراوان است. از این­رو، کلاغ در ادبیات عربی و ضرب­المثل­های عربی حضور پررنگی دارد و ویژگی­های ظاهری، باطنی و رفتاری خوب و بد کلاغ، دستمایه­ی خلق مفاهیم مختلفی جهت نمایاندن صفات خوب و بد انسان­ها و ترسیم برخی از موقعیت­ها شده است. در ادبیات فارسی و ضرب­المثل­های فارسی نیز پرنده­هایی همچون طاووس و کلاغ بسیار به­کار رفته­اند (Erfatpour, 2019, p. 22). «البته بین پرندگان کلاغ بیشترین تکرار را در ضرب­المثل­های فارسی دارد» (Erfatpour, 2019, p. 24) و «در اغلب ضرب­المثل­های فارسی از رهگذر ترسیم یکی از ویژگی­های رفتاری کلاغ، یکی از رفتارهای انسانی تبیین می­شود و البته در این مثل­ها کاربرد کلاغ بیشتر جنبه­ی تمثیلی دارد.» (Erfatpour, 2019, p. 25).

از بررسی­های عرفت­پور (Erfatpour, 2019) این­گونه می­توان جمع­بندی نمود که عرب­ها به دلیل محیط، نوع و سبک زندگی، حیوانات را دقیق­تر رصد کرده و در ضرب­المثل­هایشان، هم به ویژگی­های خوب و هم به ویژگی­های بد حیوانات جهت تبیین مفاهیم مختلف و صفات و رفتارهای خوب و بد انسان­ها و ترسیم برخی از موقعیت­ها پرداخته­اند. دیدگاه فارسی­زبان­ها در مورد حیوانات نیز در اغلب موارد با عرب­زبان­ها مشابهت و همپوشانی دارد. این امر شباهت­های فرهنگی هر دو ملت و فواید آن برای یادگیرندگان هر دو زبان را بیشتر نمایان می­سازد، ولی نباید از تفاوت­های جزئی زبانی-فرهنگی در زبان­آموزی به­ویژه برای فارسی­آموزان عرب غافل شد. زیرا افزایش شناخت و آگاهی زبانی-فرهنگی از زبان مبدأ و مقصد، بدفهمی­ها از زبان و فرهنگ مقصد، و شکست­های کاربردشناختی متأثر از تداخل (انتقال منفی) زبان مادری زبان­آموزان را کاهش می­دهد و به انتقال­ مثبتِ شباهت­ها کمک می­نماید. زبان­آموزان نیز با درک و شناختی که از دنیای خود و دیگران به­دست ­می­آورند، نگرش مثبت بیشتری نسبت به تفاوت­ها پیدا می­کنند که آن­ها را نه فقط قادر به تشخیص، بلکه فهم این تفاوت­ها می­سازد (Meier, 1997, p. 26).

**5. 3. 2. دلایل شباهت­ها و تفاوت­های کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب­المثل­های فارسی و خارجی**

«ارتباط فرهنگ و زبان بارها توسط دانشمندان ملل گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است. مردم دو کشور، بدون دانش و آشنایی اصلی با فرهنگ یکدیگر، به­سختی می­توانند [زبان و] آثار ادبی هم را بفهمند و با مردم کشور مقابل تبادل نظر کنند.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 27) و «ضرب­المثل، یکی از فرم­های زبان است که هم از فرهنگ تأثیر می­پذیرد و هم بر فرهنگ تأثیر می­گذارد.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 11). در نتیجه بررسی مؤلفه­های فرهنگی-اجتماعی ضرب­المثل­ها از جمله مواردی است که بسیاری از شباهت­ها و تفاوت­های فرهنگی زبان­ها و در واقع جوامع زبانی را نمایان می­سازد که خودِ شباهت­ها و تفاوت­های میان کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف، دلایل بسیاری دارد. یکی از دلایل مهم شاید این است که «امثال طی هزاران سال میان اقوام مختلف شکفته ... و در هر کشور بر اساس اختصاصات قومی و فرهنگی و آداب و سنت و مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی­هایی پیدا کرده است.» ( Shakourzadeh Bolouri, 2001, p. 7به نقل ازGholami & Ahmadi, 2019, p. 90 ). بنابراین با توجه به مؤلفه­های اجتماعی-شناختی و در نظر گرفتن فرهنگ و آداب و رسوم هر کشور و منطقه می­توان متوجه شد که هر چند در زیرساخت ذهنی اهل زبان مفاهیم بسیار مشابهی از لحاظ اجتماعی-شناختی وجود دارند؛ ولی افراد از کلمات و ترکیب­های متفاوتی برای بیان موضوع استفاده می­کنند. پس در روساخت بازنمود عینی و ساختار هر مورد متفاوت می­شود (Zandi et al., 2019, p. 330-331). در ادامه به دو مورد از پژوهش­هایی که به مقایسه­ی ضرب­المثل­های زبان­های مختلف (فارسی، انگلیسی و چینی) و برخی دلایل شباهت­ها و تفاوت­های آن­ها پرداخته­اند اشاره می­شود:

* زندی و همکاران (Zandi et al., 2019, p. 317 & 330) با بررسی عبارات، اصطلاحات و ضرب­المثل­های دو زبان و فرهنگ متفاوت فارسی و انگلیسی نشان می­دهند هرچند بازنمود عینی و ساختاری اصطلاحات فارسی و انگلیسی در روساخت (کلمات و عبارات تشکیل دهنده­ و ساختار آن­ها) متفاوت است؛ ولی هر دو زبان زیرساخت معنایی و موضوعی مشابهی از لحاظ اجتماعی-شناختی دارند. این امر نشان­ می­دهد در زیر ساخت ذهنی گویشوران دو زبان مذکور مفاهیم بسیار مشابهی از این منظر وجود دارند که از طریق استعاره­ها در ذهن و زبان آن­ها کدگذاری شده­اند.
* وانگ زن رونگ (Wang Zan Rung, 2014) نیز اعتقاد دارد که اسامی و تفسیر حیوانات نمادین به­کار رفته در ضرب­المثل­های دو زبان چینی و فارسی بیانگر تفاوت­های فرهنگی آن­ها است. زیرا با آن­که «در بسیاری از ضرب­المثل­ها، از حیوانات مشابه [مانند: اژدها] استفاده می­شود، اما این حیوانات بار معنایی یکسانی ندارند و گاهی نیز برای معنی یکسان، حیوانات متفاوتی [مانند: ببر و شیر] به کار می­روند.» (Wang Zan Rung, 2014, p. 18). دلیل آن را هم باید خاستگاه، زیستگاه، وفور و اهمیت بعضی حیوانات در برخی کشورها و فرهنگ­ها دانست. بنابراین ممکن است برداشت فارسی­آموزان چینی از کاربرد و معانی اسامی نمادین بعضی از حیوانات (واقعی یا خیالی) در ضرب­المثل­های فارسی با تصوری که از آن حیوانات در زبان چینی دارند مطابقت داشته باشد تا با زبان فارسی.

با تشخیص این­گونه تفاوت­ها می­توان از تداخلات فرهنگی-زبانی پیشگیری و یا حداقل آن­ها را کم، و با برجسته نمودن شباهت­ها توانش کاربردشناختی اجتماعی-فرهنگی فارسی­آموزان را تقویت نمود. البته از نقش متغیرهای اجتماعی در نحوه­ی صحیح به­کارگیری ضرب­المثل­های فارسی نیز نباید غافل شد.

**5. 3. 3. نقش متغیرهای اجتماعی در نحوه­ی به­کارگیری ضرب­المثل­های فارسی با نمادهای حیوانی**

متغیرهای اجتماعی که در اغلب پژوهش­های کاربردشناختی و جامعه­شناختی زبان از جمله­ کاربردشناختی اجتماعی و جامعه­شناسی ضرب­المثل­ها به آن پرداخته می­شوند، شامل مواردی مانند "سن"، "جنسیت"، "سطح تحصیلات"، "قدرت"، "طبقه­ی اجتماعی"، "صمیمیت"، "شغل"، "زمان"، "مکان جغرافیایی"، "گروه قومی"، و "سبک" هستند. برای مثال، طبق نظر زندی و همکاران، متغیرهای "سبک"، "جنسیت"، "سن"، "شغل"، "طبقه­ی اجتماعی" و "قدرت" بیشترین کاربرد را در ساختار اصطلاحات و ضرب­المثل­های هر دو زبان انگلیسی و فارسی دارند (Zandi et al., 2019, p. 317). غلامی و احمدی (Gholami & Ahmadi, 2019, p. 88) نیز با بررسی ضرب­المثل­های فارسی با اشاره به رابطه­ی سخن و ویژگی­های گوینده، "شخصیت اجتماعی"، "پایگاه طبقاتی"، "شرایط اقتصادی" و "دانش گوینده" را در رد و پذیرش سخن او مؤثر می­دانند. اما «هر چه افراد در اجتماع متغیرهای اجتماعی مشابه­تری داشته باشند، تفاوت­های اجتماعی و زبانی آن­ها کمتر می­شود و از لحاظ "شخصیت" بیشتر به یکدیگر نزدیک می­شوند. [...] در این صورت نسبت به یکدیگر احساس راحتی و نزدیکی بیشتری دارند» (Zandi et al., 2019, p. 323).

متغیرهای اجتماعی بر به­کارگیری ضرب­المثل­های حاوی نمادهای حیوانی نیز تأثیر می­گذارد و اطلاعات کاربردشناختی اجتماعی مفیدی را از گفتمان و به­ویژه پایگاه طبقاتی، قدرت و جایگاه اجتماعی طرفین گفتگو نمایان می­سازد. بنابراین، از نوع حیوانات (نمادهای حیوانی) به­کار رفته در ضرب­المثل­های یک گفتمان می­توان اطلاعات مفیدی را از موضوع کلی گفتگو و رابطه (غریبه، آشنا و صمیمی، آشنا و غیرصمیمی، رسمی، غیررسمی و ...) و میزان آشنایی (کم، زیاد یا صفر)، فاصله­ی اجتماعی (کم، زیاد یا صفر) و قدرت (زیاد، برابر و کم) و نحوه­ی ارتباط گفتاری یا نوشتاری افراد حاضر در آن گفتمان متوجه شد. برای مثال، در روابط غیر رسمی و صمیمی با مخاطبی که قدرتی برابر یا پایین­تر از گوینده دارد یا هدف، تحقیر و تخریب شخصیت مخاطب است، ضرب­المثل­های گفتاری و غیررسمی با اسامی حیوانات به­ویژه آن­ها که نماد حماقت و نادانی هستند (مانند «خدا خر رو شناخت شاخش نداد») بیشتر نمود می­یابند، و از تعابیری همچون «مثل گوسفند» -که اشاره به شخصیتی است که بی­اندک تأملی، پذیرای سخن دیگران است و از خود اندیشه­ای مستقل ندارد و گویای بی­خردی توأم با پذیرش رفتار نابخردانه است (Rahimi & Rahimi, 2021, p. 115-116)- بیشتر استفاده می­شود. در نتیجه آشنایی با کارکردهای کاربردشناختی اجتماعی نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های فارسی، در درک و تشخیص درست بافت موقعیتی گفتمان و نحوه­ی صحیح به­کارگیری آن­ها در کنش­های ارتباطی مفید است.

**5. 4. ضرب­المثل­ها و زبان­آموزی**

با این­که ضرب­المثل­ها در ارتباطات روزمره در محیط­های مختلف کاربرد فراوانی دارند (Krikmann, 2009, p. 51) و برای داشتن ارتباط شفاهی و نوشتاری معنادار هم افراد بومی و هم خارجی به این ابزار مؤثر کلامی نیاز دارند (Mieder, 1993, p. 54) و حتی افرادی (Zaid, 2016؛ Ajoke et al., 2015؛ Baharian & Rezai, 2014؛ Akbarian, 2010؛ Hanzén, 2007) نیز در حوزه­ی آموزش زبان (زبان دوم و خارجی) به فواید و ابعاد آموزشی ضرب­المثل­ها به­ویژه در افزایش توانش فرهنگی و ارتباطی زبان­آموزان پرداخته­اند؛ اما در بسیاری از کتاب­های آموزش زبان اول و خارجی عدم توجه کافی به ضرب­المثل­ها تقریباً امری شایع است (Mieder, 2004, p. 147).

ضرب­المثل­ها در جامعه­ی فارسی­زبان نیز آن­قدر متداول هستند که فارسی­زبانان حتی از کودکی (فارسی به عنوان زبان اول) با ضرب­المثل­ها آشنایی دارند (Mirhosseini, 2017, p. 71) و برخی اعتقاد دارند در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی­زبانان (آزفا)، گنجانیدن ضرب­المثل­های مناسب در متون آموزش زبان فارسی می­تواند در ایجاد نگرش مثبت فارسی­آموزان نسبت به فرهنگی که این ضرب­المثل­ها از آن برآمده­ است (فرهنگ ایرانی) سهمی در خور توجه ایفا نماید، و موجب ارتقاء انگیزه برای فراگیری زبان فارسی شود (Akbari, 2002, p. 25). بنابراین آشنا ساختن فارسی­آموزان خارجی به­ویژه آنان که مقیم ایران هستند (فارسی به عنوان زبان دوم) با این منبع اصیل زبانی، آنان را در درک مؤلفه­های کاربردشناختی اجتماعی زبان فارسی یاری می­رساند. آگاهی از کارکردهای نمادهای حیوانی به عنوان یکی از عناصر پرکاربرد در ضرب­المثل­های فارسی و آشنایی با شباهت­ها و تفاوت­های این نمادها با نمادهای حیوانی در ضرب­المثل­های زبان مادری فارسی­آموزان خارجی نیز نقش به­سزایی در این امر خواهد داشت که در این زمینه الگوی پیشنهادی ارائه می­شود.

**5. 4. 1. الگوی پیشنهادی پژوهش**

هر چند تنوع فرهنگی بیانگر تفاوت­ها است؛ ولی وجوه مشترک را هم نمایان می­سازد. به­طور کلی «فرهنگ» ارزش­ها، دستورالعمل­ها و نحوه­ی زندگی، عقاید و باورهای مردم را نشان می­دهد که باید آن را از نمادها، وجوه یا مؤلفه­های فرهنگی همچون «ضرب­المثل­ها» شناخت و یاد گرفت. علاوه بر این، شناخت دیگر فرهنگ­ها به شناخت بیشتر فرهنگ خود منجر می­شود (Rong, 2013, pp. 31-32) و حیوانات به عنوان «یکی از عناصر مکرر و نقش­آفرین در مثل­ها» (Moosavi, 2015, p. 865) نقش مؤثری را در شناخت ویژگی­های جهانی (عام) و اختصاصی (خاص) فرهنگ­ها و زبان­ها و جوامع فرهنگی و زبانی ایفا می­نماید. در واقع، گستره­ی نام حیوانات در مَثَل­ها نمایانگر زایایی و خلاقیت زبان، و مطالعه و مقایسه­ی آن با دیگر زبان­ها، گامی در جهت شناخت بیشتر همگانی­های زبان است (Sharifi Moghaddam & Nadimi, 2013, p. 141).

ریچموند (Richmond, 1987) الگویی را برای مقایسه­ی ضرب­المثل­های زبان­های مختلف در زبان­آموزی پیشنهاد می­کند که می­توان آن را با اصلاحاتی برای مقایسه­ی کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف به­ویژه جهت مقایسه­ی کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های فارسی و زبان مادری فارسی­آموزان ملل مختلف به­کار برد. طبق این طبقه­بندی، شباهت­ها و تفاوت­های ساختاری و معنایی ضرب­المثل­های زبان مادری زبان­آموزان با ضرب­المثل­های زبان خارجی که یاد می­گیرند ­عبارتند از این­که 1. ضرب­المثل­های هر دو زبان [خارجی و مادری] معنا و عبارتی یکسان دارند؛ 2. ضرب­المثل­های هر دو زبان معنایی مشابه، ولی عباراتی متفاوت دارند؛ 3. ضرب­المثل­های هر دو زبان عبارتی مشابه، ولی معانی متفاوت دارند؛ 4. برای ضرب­المثل­های خارجی معادلی در زبان مادری زبان­آموزان وجود ندارد، ولی معنای آن برای آن­ها قابل درک است؛ 5. نه تنها برای ضرب­المثل­های خارجی معادلی در زبان مادری زبان­آموزان وجود ندارد، بلکه معنای آن­ها نیز نامفهوم و ناملموس است. برای این­که این الگو جامع­تر و کاربردی­تر شود، می­توان مقایسه­ی کارکردهای ضرب­المثل­های زبان­های مختلف را نیز به مقایسه­ی معانی و عبارات اضافه نمود و آن را این­گونه برای مقایسه­ی کاربرد حیوانات در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف به­ویژه برای فارسی­آموزی و کاربران غیر بومی زبان فارسی به­ویژه در ایران (فارسی به عنوان زبان دوم) تعمیم داد: 1. ضرب­المثل­های هر دو زبان [خارجی و مادری] حیواناتی (نمادهای حیوانی) مشابه، با معنا و کاربردی یکسان دارند. (مانند: اسب و مار در دو زبان چینی و فارسی)؛ 2. ضرب­المثل­های هر دو زبان حیواناتی مشابه، با معنا و کاربردی متفاوت دارند. (مانند: اژدها در دو زبان چینی (معنای مثبت) و فارسی (معنای منفی))؛ 3. ضرب­المثل­های هر دو زبان حیواناتی متفاوت، با معنا و کاربردی یکسان دارند. (مانند: ببر چینی و شیر ایرانی)؛ 4. برای حیوانات ضرب­المثل­های خارجی معادلی در زبان مادری زبان­آموزان وجود ندارد، ولی معنا و کاربرد آن برای آن­ها قابل درک است (مانند: تشخیص و درک قدرت و شجاعت شیر ایرانی در ضرب­المثل­های فارسی برای چینی­زبان­ها (فارسی­آموزان چینی))؛ و 5. نه تنها برای حیوانات ضرب­المثل­های خارجی معادلی در زبان مادری زبان­آموزان وجود ندارد، بلکه معنا و کاربرد آن­ها نیز نامفهوم و ناملموس است (مانند: درک مفهوم هما (پرنده­ی سعادت و خوشبختی) و سیمرغ یا عنقا (پرنده­ی افسانه­ای) در ضرب­المثل­های ادبی فارسی برای فارسی­آموزان خارجی)؛ و همچنین ممکن است 6. برای یک حیوان در ضرب­المثل خارجی دو یا چند حیوان معادل (معادل حیوانی) در زبان مادری زبان­آموزان با کارکردهای یکسان یا متفاوت وجود داشته باشد؛ و یا 7. برای یک حیوان در ضرب­المثل زبان مادری زبان­آموزان دو یا چند حیوان معادل (معادل حیوانی) با کارکردهای یکسان یا متفاوت در زبان خارجی وجود داشته باشد.

با الگوی اصلاح­شده­ی (جدول3) ریچموند (Richmond, 1987) می­توان به کارکردهای متفاوت و مشابه حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب­المثل­های زبان مادری فارسی­آموزان ملل مختلف و ضرب­المثل­های زبان فارسی، و شباهت­ها و تفاوت­های کاربردشناختی زبانی، اجتماعی و فرهنگی هر دو زبان (مادری و فارسی (به عنوان زبان دوم یا خارجی)) و از همه مهم­تر میزان تداخل (انتقال منفی) و انتقال­های مثبت، و در نهایت شدت دشواریِ درک و یادگیری مؤلفه­های فرهنگی-اجتماعی زبان فارسی برای فارسی­آموزانی با فرهنگ و زبان­های متفاوت پی برد.

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول (3): الگوی اصلاح­شده­ی ریچموند (Richmond, 1987) برای مقایسه­ی تفاوت­ها و شباهت­های کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب­المثل­های زبان­های مختلف** | |
| **1** | ضرب­المثل­های هر دو زبان [خارجی و مادری] حیواناتی (نمادهای حیوانی) مشابه، با معنا و کاربردی یکسان دارند. |
| **2** | ضرب­المثل­های هر دو زبان حیواناتی (نمادهای حیوانی) مشابه، با معنا و کاربردی متفاوت دارند. |
| **3** | ضرب­المثل­های هر دو زبان حیواناتی (نمادهای حیوانی) متفاوت، با معنا و کاربردی یکسان دارند. |
| **4** | برای حیوانات (نمادهای حیوانی) ضرب­المثل­های خارجی معادلی در زبان مادری زبان­آموزان وجود ندارد، ولی معنا و کاربرد آن برای آن­ها قابل درک است. |
| **5** | نه تنها برای حیوانات (نمادهای حیوانی) ضرب­المثل­های خارجی معادلی در زبان مادری زبان­آموزان وجود ندارد، بلکه معنا و کاربرد آن­ها نیز نامفهوم و ناملموس است. |
| **6** | برای یک حیوان (نماد حیوانی) در ضرب­المثل خارجی دو یا چند حیوان معادل (معادل حیوانی) در زبان مادری زبان­آموزان با کارکردهای یکسان یا متفاوت وجود دارد. |
| **7** | برای یک حیوان (نماد حیوانی) در ضرب­المثل زبان مادری زبان­آموزان دو یا چند حیوان معادل (معادل حیوانی) با کارکردهای یکسان یا متفاوت در زبان خارجی است. |

مواردی که ذکر شد نشان می­دهد ضرب­المثل­ها با اطلاعات مفید و مهمی که در خود دارند روش خوبی برای تحلیل چیستی و چرایی و یافتن الگوها و ارزش­های یک فرهنگ هستند (Rong, 2013, 34). زیرا امثال و حکم «عصاره­ی فرهنگ توده، باورها، پندار، گفتار و کردار مردمان هر سرزمین است» (Forsati Jouybari & Nabayi, 2013, p. 145). در نتیجه زبان­آموزان با شناخت متقابلی که از مؤلفه­های فرهنگی جامعه­ی ­زبان خارجی و زبان مادری به دست می­آورند، آن زبان را بهتر یاد می­گیرند. پس باید در امر مهمّی همچون آموزش و یادگیری زبان دوم مؤلفه­های فرهنگی موجود در جامعه­ی زبانی دوم را فراموش نکرد و به آن بهای ویژه و بیشتری داد تا شاید بتوان ابهامات و مشکلات موجود در تولید و درک کاربرد­شناختی زبان­آموزان را کاهش داد (Sedaghat, 2013, p. 3) که آموزش مؤلفه­های فرهنگی مستتر در نمادهای (حیوانی، گیاهی، و ...) موجود در ضرب­المثل­ها یکی از این راهکارها است.

**6. نتیجه­گیری**

نقش حیوانات در زندگی انسان­ها بر زبان و ادبیات آن­ها نیز اثر گذاشته است. این اثر در ضرب­المثل­های جوامع زبانی نیز نمود یافته است که گاهی اسامی حیوانات، نمایانگر کارکردهای یکسان و بیانگر مفاهیمی مشترک و گاهی متفاوت در میان جوامع زبانی مختلف هستند. شناخت این شباهت­ها و تفاوت­ها یادگیرندگان زبان را به درک صحیح مفاهیم القایی اسامی حیوانات در ضرب­المثل­های زبان خارجی (مقصد) رهنمون می­سازد و مانع از انتقال منفی یا تداخل کاربردشناختی در برداشتی که از کارکرد معنایی و مفهومی یک حیوان در زبان مادری (مبدأ) خود دارند شده و از همه مهم­تر مانع از تداخل ارتباطی در کنش­های ارتباطی­شان در موقعیت­ها و رویدادهای زبانی مختلف می­شود. زیرا کاربر غیر بومیِ (مخاطب) آن زبان را به اصلِ منظوری که کاربر بومی (گوینده) از بیان آن ضرب­المثل داشته می­رساند و از ایجاد سؤتفاهمات زبانی-فرهنگی پیشگیری می­نماید.

ضرب­المثل­ها در زبان و ادبیات رسمی و عامه، و بخش قابل توجهی از کلام فارسی­زبانان، در گفتار و نوشتار رسمی و غیررسمی، از آگهی­های تبلیغاتی تا سخنرانی­های سیاسی، حضور دارند و خاصیت اصلی آن­ها ملموس نمودن مسائل انتزاعی، غیرمستقیم­گویی، اختصار، جمع­بندی و نتیجه­گیری کلام است. علاوه بر خاصیت زبانی-ادبی، ضرب­المثل­ها از نظر درک مؤلفه­های فرهنگی-اجتماعی برای فارسی­آموزی، و افزایش دانش و توانش کاربردشناختی و زبان­شناختی اجتماعی و سواد فرهنگی فارسی­آموزان خارجی برای شرکت مؤثر آن­ها در رویدادهای زبانی مختلف به­ویژه در جامعه­ی فارسی­زبان (فارسی به عنوان زبان دوم) بسیار ارزشمند هستند. از این­رو یادگیری ضرب­المثل­های فارسی -به عنوان جزء جدایی­ناپذیر کلام­ فارسی­زبانان- به­ویژه درک و شناخت نمادهای حیوانی موجود در این ضرب­المثل­ها راهکار و توانشی راهبردی برای افزایش قدرت عملکردی کاربران غیربومی زبان فارسی و فارسی­آموزان خارجی در ارتباطات گفتاری و نوشتاری­شان است و برای تقویت توانش ارتباطی آن­ها ضرورت دارد. زیرا آشنایی با کارکردهای اجتماعی نمادهای حیوانی به­کار رفته در ضرب­المثل­های زبان فارسی، فرد خارجی را از کارکردهای اجتماعی آن ضرب­المثل­ها در جامعه­ی فارسی­زبان آگاه و جنبه­های اجتماعی کاربرد­شناختی زبان فارسی را برای او نمایان­تر می­سازد.

با توجه به اهمیت ضرب­المثل­ها در فارسی­آموزی، به پژوهشگران توصیه می­شود ابعاد و وجوه آموزشی ارزشمند ضرب­المثل­ها را با انجام پژوهش­های کاربردی، بیشتر معرفی نمایند. به برنامه­ریزان درسی و آموزشی، طراحان محتوا و مدرسان زبان فارسی نیز پیشنهاد می­شود از فرهنگ­هایی همچون «فرهنگ بزرگ ضرب­المثل­های فارسی» ذوالفقاری با یکصد هزار ضرب­المثل همراه با نمایه­ی موضوعی و کلیدواژه­ای، جهت انتخاب ضرب­المثل­های مناسب برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی­زبان (آزفا) استفاده نمایند و به دلیل تعداد و تنوع زیاد ضرب­المثل­های فارسی حاوی عناصر طبیعی همچون حیوانات، از به­کارگیری این­گونه محتواهای اصیل، جذاب و انگیزه­بخش در فارسی­آموزی چه به خارجیان و چه در مناطق دو یا چندزبانه­ی ایران غافل نشوند. زیرا با آموزش این ضرب­المثل­ها، «با یک تیر دو نشان را می­زنند» و فرهنگ و زبان را با هم به فارسی­آموزان آموزش می­دهند.

**فهرست منابع:**

**آرمان، علیرضا.، علوی­مقدم، مهیار.، تسنیمی، علی.، و الیاسی، محمود.** (1398). نگاشت­های استعاره­ای حیوانات در ضرب­المثل­های برآمده از متون ادب فارسی. *دوماه­نامه­ی فرهنگ و ادبیات عامه*، سال هفتم، شماره­ی 26، 207-240.

**اکبری، فاطمه.** (1382). بررسی جامعه­شناختی ضرب­المثل­ها و انتخاب آن­ها برای آموزش فارسی به غیرفارسی­زبانان. *نامه­ی پارسی،* سال هشتم، شماره­ی 3، 25-50.

**حاجیان­نژاد، علیرضا. و بهزادیان، مژگان.** (1399). تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب­المثل­های فارسی با تکیه بر داستان­نامه بهمنیاری. *دوماه­نامه­ی فرهنگ و ادبیات عامه*، سال هشتم، شماره­ی 31، 121-156.

**ذوالفقاری، حسن.** (1388). *فرهنگ بزرگ ضرب­المثل­های فارسی.* تهران: معین.

**رحیمی، ابولقاسم. و رحیمی، مهدی.** (1399). تیپ­های شخصیتی و نمادهای جانوری در امثال و حکم و فرهنگ عامه بر اساس نظریه آلفرد آدلر. *دوماه­نامه­ی فرهنگ و ادبیات عامه.* سال هشتم، شماره­ی 36، 99-127.

**زندی، بهمن.، بحرینی، مسعود.، سبزواری، مهدی. و مهدی بیرقدار، راضیه.** (1397). بررسی اجتماعی -شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب­المثل­های فارسی و انگلیسی. *دوماهنامه­ی جستارهای زبانی،* دوره­ی نهم، شماره­ی 6، 317-334.

**شریفی­مقدم، آزاده. و ندیمی، نرجس.** (1392). تحلیل معنی­شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب­المثل­های گویش لار (با تکیه بر دلالت، موضوعیّت و کارکرد اجتماعی). *مجله­ی نامه­ی فرهنگستان،* سال سیزدهم، شماره­ 1، 137-159.

**صادقی فسایی، سهیلا. و عرفان­منش، ایمان.** (1394). مبانی روش­شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده­ی ایرانی. *مجله­ی راهبرد فرهنگ*، شماره­ی 29، 61-91.

**صداقت، الهام.** (1392). *ادب در گفتار فارسی­آموزان خارجی: مطالعه موردی در بیان تقاضا.* پایان­نامه­ی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی. دانشگاه پیام نور تهران.

**عرفت­پور، زینه.** (1398). کارکرد برخی حیوانات در ضرب­المثل­های عربی و فارسی. *دوفصل­نامه­ی کهن­نامه­ی ادب پارسی*، سال دهم، شماره­ی 1، 1-29.

**غلامی، فاطمه. و احمدی، فاطمه.** (1398). سخن و شایست و نشایست­های آن در آیینه­ی ضرب­المثل­ها. *پژوهش­نامه­ی ادبیات تعلیمی،* سال دهم، شماره­ی 41،87 -130.

**فرصتی جویباری، رضا. و نبئی، مینا.** (1392). بررسی جایگاه زنان در امثال و حکم فارسی با رویکرد جامعه­شناسی. *فصل­نامه­ی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، دوره­ی پنجم، شماره­ی 16، 145-176.

**موسوی، جلال.** (1394). بررسی نوع حیوانات و علل وجود آن­ها در ضرب­المثل­ها. *مجموعه مقاله­های دهمین همایش بین­المللی ترویج زبان و ادب فارسی*. 863-868.

**وانگ زن رونگ** (1393). حیوانات در ضرب­المثل­های چینی و فارسی. *مجله­ی مطالعات انتقادی ادبیات،* سال اول، شماره­ی 2،11-30.

**References:**

**Ajoke, A.R., Hasan, Md. K., & Suleiman, Y.** (2015). Examining the use of proverbs in teaching English as second language: An implication for secondary school principals in Nigeria. *International E-Journal for Research in ELT*. *1*(3).

**Akbarian, I.** (2010). A spice of classroom: Incorporating proverbial expressions in EFL classes. *The Journal of Asia TEFL. 7*(1), 221-238.

**Arman, A., Alavi Moghaddam, M., & Tasnimi, A.** (2019). The metaphoric mappings of animal in proverbs extracted from Persian texts*. CFL.* *7*(26), 207-240. [in Persian].

**Bachman, L. F.** (1990). *Fundamental considerations in language testing*. Oxford: Oxford University Press.

**Baharian, E., & Rezai, M.J.** (2014). The effect of proverbs on learning vocabulary through visual organizers. *International Journal of English Language Teaching. 2*(4)*,* 16-32.

**Brown, P., & Levinson, S.** (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.

**Canale, M., & Swain, M.** (1980). Theoretical bases of communicative approaches to second language teaching and testing. *Applied Linguistics, 1*(1), 1-47.

**Chomsky, N.** (1965). *Aspects of the theory of syntax.* Cambridge: M.I.T. Press.

**Erfatpour, Z.** (2019). Animals in Arabic and Persian proverbs. *Kohan-name-ye Adab-e Parsi.10*(1). 277-307. [in Persian].

**Forsati Jouybari, R., & Nabayi, M.** (2013). The study of women’s place in the adages and anecdotes through a sociological approach. *Dehkhoda, 5*(16), 145-176. [in Persian].

**Hadissi, K.** (2010). A socio-historical approach to poetic origins of Persian proverbs. *Iranian Studies,* *43*(5), 599-605.

**Hajian Nejad., A., & Behzadian, S. M.** (2020). An analysis of the function of animal symbols in Persian proverbs based on Bahmanyari story book. *CFL.* *8*(31). 121-156. [in Persian].

**Hanzén, M.** (2007). “When in Rome, do as the Romans do” proverbs as a part of EFL teaching. *Högskolan För Larande Och Kommunikation (HLK), 36*, 1-27.

**Hymes, D.** (1972). On communicative competence. In Pride, J.B. & Holmes, J. (Eds.). *Sociolinguistics*. Harmondsworth, UK: Penguin Books.

**Krikmann, A.** (2009). *Proverb semantics: Studies in structure, logic, and metaphor*. Burlington, Vermont: Queen City Printers Inc.

**Meier, A. J.** (1997). Teaching the universals of politeness. *ELT Journal*, *51*(1), 21-28. Oxford: Oxford University Press.

**Mieder, W.** (1993). *Proverbs are never out of season. Popular wisdom in the modern age.* New York: Oxford University Press.

**Mieder, W.** (2004). *Proverbs: A handbook.* Westport, CT: Greenwood Press.

**Mirhosseini, S. A.** (2017). Early metaphorical communication: Farsi-speaking children beginning to learn proverbs. *Online Journal of Communication and Media Technologies, 7*(1), 71–86.

**Rahimi, A., & Rahimi, M.** (2021). Personality types and animal symbols in proverbs and folk culture based on Alfred Adler's theory. *CFL. 8*(36): 99-127. [in Persian].

**Richmond, E. B.** (1987). Utilizing proverbs as a focal point to cultural awareness and communicative competence: Illustrations from Africa. *Foreign Language Annals, 20*(3), 213-216.

**Rong, H.** (2013). Proverbs reveal culture diversity. *Cross-Cultural Communication, 9*(2), 31-35.

**Sadeghi Fasai, S. & Erfanmanesh, I.** (2015). Methodological principles of documentary research in social sciences; Case of study: Impacts of modernization on Iranian family. *Culture Strategy, 29*, 61-91. [in Persian].

**Sedaghat, E.** (2013). *Politeness in Speech of Persian Foreign Language Learners: A Case Study in Request Speech Act.* (Unpublished M.A. Thesis in Persian Language Teaching (PLT) Supervised by Dr. Zohreh Eslami Rasekh), Payam-e-NooR University, Iran, Tehran. [in Persian].

**Sharifi Moghaddam, A. & Nadimi, N.** (2013). A semantic analysis of animal names in Lāri proverbs. *Name-ye Farhangestan. 13*(1). 137-159. [in Persian].

**Zaid, A.** (2016). Using proverbs as a lead-in activity in teaching English as a foreign language. *International Journal on Studies in English Language and Literature (IJSELL). 4*(10), 1-5.

**Zandi, B., Bahreyni, M., Sabzevari, M., & Mahdi Beyraghdar, R.** (2019). Socio-cognitive analysis of taboo and euphemism in expressions, idioms and proverbs structures, of Persian and English. *LRR. 9*(6), 317-334. [in Persian].

**Zofaghari, H.** (2009)*Encyclopedia on Persian proverbs*. Tehran: Moeen.[in Persian].

**Zolfaghari, H., & Ameri, H.** (2012). Persian proverbs: Definitions and characteristics. *Journal of Islamic and Human Advanced Research, 2*, 93-108.

1. 1. communicative competence [↑](#footnote-ref-1)
2. 2. sociolinguistic competence [↑](#footnote-ref-2)
3. 3. pragmatic competence [↑](#footnote-ref-3)
4. 1. pragmalinguistics & sociopragmatics [↑](#footnote-ref-4)
5. 1. sociocultural & sociolinguistic features [↑](#footnote-ref-5)
6. 2. grammatical competence [↑](#footnote-ref-6)
7. 3. discourse competence [↑](#footnote-ref-7)
8. 4. sociolinguistic competence [↑](#footnote-ref-8)
9. 5. strategic competence [↑](#footnote-ref-9)
10. 6. organizational competence [↑](#footnote-ref-10)
11. 7. pragmatic competence [↑](#footnote-ref-11)
12. 8. textual competence [↑](#footnote-ref-12)
13. 1. Richmond [↑](#footnote-ref-13)
14. 2. Alfred Adler's theory [↑](#footnote-ref-14)
15. 1. politeness theory [↑](#footnote-ref-15)
16. 2. pragmatic transfer [↑](#footnote-ref-16)
17. 3. pragmatic interference [↑](#footnote-ref-17)
18. 4. pragmatic failure [↑](#footnote-ref-18)
19. 5. sociopragmatic failure [↑](#footnote-ref-19)
20. 6. communicative interference [↑](#footnote-ref-20)
21. 7. native language [↑](#footnote-ref-21)
22. 8. communicative acts [↑](#footnote-ref-22)
23. 9. speech situations and events [↑](#footnote-ref-23)